

توسعه گردشگری شهری پایدار

در سال‌های گذشته، رشد اقتصادی شهرها از طریق صنایع تولیدی حاصل می‌شد. در اواخر قرن بیستم، صنایع تولیدی به تدریج اهمیت خود را به عنوان ابزار اصلی رشد شهرها، از دست دادند و به تدریج بخش خدمات به عنوان موتور محرک اقتصادی شهرها شناخته شد. در چنین شرایطی، گردشگری به عنوان گزینه‌ای مناسب برای توسعه‌ی شهرها شناخته شد، زیرا شهرها به طور بالقوه، دارای بسیاری از جاذبه‌ها مانند بناهای تاریخی، میراث فرهنگی، رویدادها و ... می‌باشند. حتی محروم‌ترین شهرها نیز به دلیل برخورداری از میراث تاریخی و فرهنگی می‌توانند در رقابت میان مقصدهای گردشگری شهری شرکت کنند.

لا (۱۹۹۳) چهار عامل مؤثر در توسعه‌ی گردشگری به عنوان یک بخش خدماتی در شهرها را این‌طور ذکر می‌کند:

۱. افول صنایع تولیدی
۲. نیاز به ایجاد فعالیت‌های اقتصادی جدید و مقابله با بیکاری
۳. شناخت اهمیت گردشگری به عنوان یک صنعت در حال رشد
۴. نقش توسعه‌ی گردشگری در بازسازی و احیای مناطق شهری

نیری (۲۰۰۶) دو عامل دیگر را نیز به عوامل فوق اضافه کرده است:

۱. جهانی شدن سریع
۲. جایگاه ویژه‌ی شهرها در انباشت سرمایه

منظور از گردشگری شهری، فعالیت‌های گردشگری در محیط‌های شهری است. هنگامی که شهرها به عنوان مقصدهای گردشگری توسعه می‌یابند، پیچیدگی محیط‌های شهری، آن‌ها را از سایر مقصدها (روستاها، تفرجگاه‌ها، سواحل و ...) متمایز می‌سازد. بولدینگ نظریه پرداز آمریکایی شهرها را به عنوان پیچیده ترین سطح سیستم‌ها بعد از سیستم‌های ذهنی می‌داند. شهر به عنوان واقعیتی جغرافیایی، اقتصادی، سیاسی و جامعه شناختی در هر دوره‌ای از رشد و تحول خود از هر کدام از این عوامل تأثیر پذیرفته و بر هر کدام از آن‌ها تأثیر گذاشته است. پیچیدگی هر یک از این عوامل خود موجب پیچیدگی شهر به عنوان تبلور فضایی آن‌ها بوده است.

در صورت برنامه ریزی و توسعه‌ی از پیش اندیشیده شده، گردشگری می‌تواند منافع مستقیم و غیرمستقیم اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و محیطی را ایجاد و سهم قابل توجهی را در توسعه‌ی ملی ایفا نماید. رشد شتابان گردشگری طی دهه‌های گذشته و آینده‌نگری‌های مبتنی بر آن، همراه با تأکیدی که کارشناسان کشورهای رو به رشد بر تقویت و پشتیبانی این فعالیت در جهت اهداف توسعه پایدار در این ممالک روا می‌دارند، مفهوم تازه‌ای را تحت عنوان توسعه‌ی پایدار گردشگری مطرح کرده است.

توسعه گردشگری پایدار عبارت است از گسترش این صنعت و جذب گردشگر به کشور با استفاده از منابع موجود به گونه‌ای که ضمن پاسخ دادن به نیازهای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و ضوابط قانونی جامعه و همچنین انتظارات گردشگران، بتوان وحدت و یکپارچگی، هویت فرهنگی و سلامتی محیط زیست، رشد اقتصادی و رفاه مردم و میهمانان آن‌ها را به گونه‌ای متوازن و پیوسته تأمین کرد. گردشگری شهری پایدار در طرح اروپایی "اداره گردشگری شهری پایدار"، به عنوان "یک استراتژی توسعه کل نگر، منصفانه و آینده نگر" تعریف شده است. هدف اصلی گردشگری پایدار ارائه روش‌های منطقی در بهره برداری از منابع طبیعی و انسانی و ممانعت از به کارگیری غیر منطقی این منابع است.

به منظور پایداری شهر و کارکرد گردشگری آن، سرمایه های اجتماعی، فیزیکی و فرهنگی مقصد را باید به گونه ای پایدار برای توسعه گردشگری شهری مورد استفاده قرار داد. منظور از گردشگری شهری پایدار، حفظ ویژگی ها و خصایص جامعه محلی و حفاظت و ارتقای ابعاد مختلف محیط شهری (محیط انسان ساخت، طبیعی و فرهنگی) می باشد.

انجمن گردشگری سبز، که در تورنتوی کانادا فعالیت می کند، "گردشگری شهری پایدار" را دارای چهار ویژگی می داند: مسئولیت زیست محیطی، احیای اقتصاد محلی، توجه و حساسیت فرهنگی و غنای تجربه. منظور از مسئولیت زیست محیطی، حفظ، ارتقا و بهبود کیفیت محیط طبیعی و فیزیکی به منظور پایداری بلندمدت اکوسیستم های منطقه است. احیای اقتصاد محلی به حمایت و پشتیبانی از اقتصاد و کسب و کار جوامع محلی اشاره دارد. منظور از حساسیت فرهنگی، استمرار و بقای فرهنگ های محلی و احترام به فرهنگ های مختلف و تنوع فرهنگی است. غنای تجربه گردشگری شهری نیز به فراهم آوردن یک تجربه رضایت بخش برای گردشگران از طریق مشارکت فعال و ارزشمند در محیط طبیعی، اجتماعی و فرهنگی مقصد اشاره دارد.

لا با نگاهی متفاوت، بر سه جنبه ی دیگر از گردشگری پایدار شهری تأکید می کند: ظرفیت بارگذاری؛ حفاظت از میراث تاریخی؛ و مقابله با آلودگی هوا. مفهوم ظرفیت بارگذاری در مقصدهای شهری را می توان از طریق اثرات منفی ناشی از حضور و استفاده انبوهی از گردشگران از محصولات مختلف شهری توضیح داد. با افزایش هزینه های ناشی از حضور تعداد زیادی از گردشگران در یک شهر، منافع اقتصادی گردشگری کاهش می یابد، از کیفیت تجربه گردشگر کاسته شده و محیط انسان ساخت شهرها دچار فرسودگی می شود. دومین جنبه مورد توجه لا، در گردشگری شهری پایدار، حفاظت از میراث تاریخی از طریق حفظ، بازسازی و به کارگیری مجدد بناهای قدیمی است. به عقیده او، اگر بناهای قدیمی شهرها در صنعت گردشگری به درستی به کارگرفته شوند، نه تنها حفظ و بازسازی این بناها تضمین می شود، بلکه بر غنای محیط انسان ساخت شهر نیز افزوده خواهد شد. وی برای کاهش آلودگی هوای ناشی از رشد گردشگری در شهرهای بزرگ، توسعه سیستم حمل و نقل عمومی و ایجاد و گسترش پیاده راه ها را پیشنهاد می کند.

تلاش برای توسعه‌ی گردشگری پایدار در شهرها، آسیب‌های محیط‌طبیعی و انسان‌ساخت را به حداقل می‌رساند، میراث اجتماعی و فرهنگی را حفظ می‌کند، منافع اقتصادی حاصل از توسعه گردشگری را حداکثر ساخته و کیفیت زندگی ساکنین و تجربه گردشگران را بهبود می‌بخشد.

پاسکلیوا-شاپیرا اهداف گردشگری پایدار شهری را این‌گونه بر می‌شمارد: حفظ میراث فیزیکی شهرها؛ تقویت توانایی‌های فرهنگی و اجتماعی جوامع بومی؛ توسعه بلندمدت؛ ایجاد فرصت‌های شغلی مناسب؛ برقراری تعادل میان منافع ساکنین شهرها و گردشگران. توسعه گردشگری شهری باید برای ساکنین محلی، صنعت گردشگری محلی، گردشگران و سایر ذی‌نفعان مفید باشد و به عنوان بخش لاینفک استراتژی‌های توسعه‌ی شهری و توسعه پایدار محسوب شود.

نخستین شرط موفقیت هر شهر در توسعه گردشگری، وجود زیرساخت‌های مناسب شهری، یکپارچگی همه سازمان‌های ذیربط و مدیریت عاقلانه و مدبرانه در عرصه‌های سیاسی، فرهنگی و اجتماعی است. از طرف دیگر تنسيق و آمایش جاذبه‌های شهر، استفاده‌ی پایدار از منابع گردشگری، ایجاد امکانات و تسهیلاتی که دسترسی به جاذبه‌ها را تسهیل کند، رضایت خاطر بازدیدکنندگان و کنترل محلی دومین شرط لازم در توسعه گردشگری است.